

Environmental self-regulation of companies in oil and gas industry

Mohammad Sardoei Nasab¹, Mahdi Balavi¹, Ali Mashhadi², Elham Hassani^{3*}

1. Associate Professor, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran

3. MSc, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: July 7, 2020 ; Accepted: April 5, 2021)

Abstract

The trend of pollutant industries as a new and voluntary regulatory tool has increased due to ineffectiveness governmental regulations and their weaknesses in improving the environment. The oil and gas industry is no exception. The aim of this study is to explain the environmental issues of petroleum companies as one of the most environmental and environmental issues that companies are fully independent or they attempt in cooperation with the government to regulate their activities from the environmental point of view. In addition, the measures taken by international and international law, government and other stakeholders in the support and leadership of the companies will be mentioned. The research findings indicate that petroleum companies will be able to improve the environment and oil industry subject to acceptance of responsibility and the use of self-regulatory instruments as well as an observer such as the industrial community that meets the company's activities in accordance with the set-out rules.

Keywords

Corporate social responsibility, Code of conduct, Standardization.

* Corresponding Author, Email: elham.hassani92@ut.ac.ir

خودتنظیمی زیست محیطی شرکت‌ها در صنعت نفت و گاز

محمد ساردوئی نسب^۱، مهدی بالوی^۱، علی مشهدی^۲، الهام حسنی^{۳*}

۱. دانشیار، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

۳. کارشناس ارشد، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶)

چکیده

گرایش صنایع آلاینده به خودتنظیمی زیست محیطی، به منزله یک ابزار نوین و داوطلبانه قاعده‌گذاری، امروزه با عدم کارایی مقررات رسمی دولتی و نقاط ضعف آن در بهبود وضعیت محیط زیست افزایش یافته است و صنعت نفت و گاز نیز از این امر مستثنا نیست. هدف از این پژوهش تبیین خودتنظیمی زیست محیطی شرکت‌های نفتی به منزله یکی از انواع خودتنظیمی زیست محیطی و بررسی ابزارهایی است که شرکت‌ها به صورت کاملاً مستقل یا با همکاری دولت‌ها سعی در قاعده‌مهندسی فعالیت‌های خود از منظر زیست محیطی دارند. همچنین اقداماتی که نهادهای بین‌المللی حرفه‌ای و عمومی، دولت‌ها، و سایر ذی‌نفعان در حمایت و هدایت شرکت‌ها انجام می‌دهند بیان می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های نفتی در صورت پذیرش مسئولیت و استفاده از ابزارهای خودتنظیمی و همچنین داشتن ناظری مانند انجمن‌های صنعتی، که فعالیت‌های شرکت را مطابق با قواعد تهیه‌شده ارزیابی کند، می‌تواند باعث بهبود وضعیت محیط زیست و صنعت نفت شود.

کلیدواژگان

استانداردگذاری، کد رفتاری، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها.

* رایانامه نویسنده مسئول: elham.hassani92@ut.ac.ir

مقدمه

در قاعده‌گذاری صنعت نفت و گاز، مانند سایر حوزه‌ها، نقش روش‌های اجباری و تنبیهی به سر آمده و با ایجاد استراتژی‌های جدید به چالش کشیده شده است. صنایع با به‌کارگیری روش‌های تنظیمی توسط دولت خودمختاری خود را از دست می‌دادند و نتیجه مناسبی نیز حاصل نمی‌شد. توسعه جهانی شدن باعث ایجاد نهادهایی شد که از کنترل اقتصادی و قانونی دولت فراتر می‌روند. خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌های نفت و گاز در واقع تلاشی برای تهیه قواعد زیست‌محیطی خودساخته توسط شرکت‌های نفتی است که نیازمند همکاری ذی‌نفعان و سهام‌داران مختلف صنعت است. مصادیق خودتنظیمی زیست‌محیطی در صنعت نفت و گاز مشابه خودتنظیمی در سایر حوزه‌هاست. اما تفاوتی که خودتنظیمی زیست‌محیطی در این صنعت با سایر خودتنظیمی‌ها دارد این است که مسائل زیست‌محیطی و صنعت نفت و گاز، هر دو، ماهیت فراملی دارند و چه بسیار انجمن‌ها و سازمان‌های فراملی و غیردولتی در زمینه صنعت نفت و محیط زیست آن تشکیل شده است که نقش مهمی در تهیه قواعد توسط شرکت‌های نفتی دارند. بنابراین، قواعدی که این نهادها تهیه می‌کنند نیز جزء خودتنظیمی است و با عنوان مقررات خصوصی بین‌المللی مطرح می‌شود. در این نوشتار با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی خودتنظیمی زیست‌محیطی در صنعت نفت و گاز، عوامل مؤثر در گرایش صنعت به خودتنظیمی زیست‌محیطی، تعریف خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌های فعال نفت و گاز، و ابزارها و مزایا و معایب این روش به منظور شناسایی بهتر آن در بهبود وضعیت محیط زیست صنعت نفت و گاز می‌پردازیم.^۱

خودتنظیمی زیست‌محیطی^۲ در صنعت نفت و گاز

از نیمه قرن اخیر میلادی و با ظهور آثار ناخوشایند فعالیت‌های صنعتی به طور عام و عملیات نفتی به طور خاص، نگرانی‌هایی درباره ادامه روند موجود به وجود آمد که انسان را به بازنگری

۱. جهت مطالعه بیشتر درباره ضوابط الزامی حقوق محیط زیست ← عبدالحسین شیروی، حقوق نفت و گاز، تهران، میزان،

۱۳۹۵، فصل ۱۵، ص ۵۶۲.

در سیاست برخورد با محیط زیست واداشت. بنابراین، هدایت فعالیت‌های صنعتی، به گونه‌ای که کمترین آثار زیان‌بار را بر محیط زیست داشته باشد، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد (مؤمنی‌راد و همکاران ۱۳۹۵: ۱۱۶).

دولت‌ها که مسئولیت کاهش آثار مخرب فعالیت‌های آلاینده شرکت‌ها را سالیان طولانی بر عهده داشته‌اند، به دلیل عدم موفقیت در اجبار شرکت‌ها به رعایت قوانین و مقررات و نداشتن تخصص در تهیه قواعد مناسب و افزایش بار هزینه قاعده‌گذاری، تمایل دارند این مهم را به نهادهای خصوصی واگذار کنند و خود ناظر و حمایت‌کننده نهادهای خودتنظیم باشند و فقط زمانی ورود کنند که خودتنظیمی نیز نتیجه مناسبی حاصل نکند. امروزه، همان‌طور که ویلیامز در سال ۲۰۰۴ بیان کرد، «ظهور رژیم‌های خودتنظیمی در صنعت پاسخ منطقی به فشارهای خارجی از سوی ذی‌نفعان صنعت و محیط زیست است.» (Ahmad & AbdGhadas 2011: 150-151). در یک تعریف کلی خودتنظیمی زیست‌محیطی در صنعت عبارت است از «خودسامانی گروهی از بنگاه‌ها مربوط به یک صنعت که فعالیت خود را با روش‌های مقرر و مجموعه‌ای از اصول و ضوابط خودساخته متناسب با شرایط زیست‌محیطی انجام می‌دهند. عضویت بنگاه‌ها در گروه‌ها غالباً داوطلبانه است؛ اما ممکن است از لحاظ قانونی یا هنجاری در پیوستن به صنعت نیز الزام شود.» (Self-Regulation I 2015: 11). در تعریفی دیگر آمده است: «فرایندی است که به موجب آن یک صنعت از طریق بنگاه‌ها یا اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای تنظیم می‌شود و قوانین و استانداردهایی را بر رفتار شرکت‌ها اعمال می‌کند. همچنین نظارت بر اجرای این قواعد بر عهده نهادهای خودتنظیم است نه نمایندگان دولت؛ مگر در موارد خاص.» (Gupta & Lawrence 1983: 417). بنابراین تعاریف خودتنظیمی در صنعت نفت و گاز را دو گروه ارائه می‌دهند: الف) شرکت‌های فعال در حوزه نفت و گاز که اقدامات شرکت‌ها عموماً بیشتر و مؤثرتر از انجمن‌هاست و فعالیت انجمن‌ها بیشتر به منظور جهت‌دهی به فعالیت شرکت‌هاست

ب) انجمن‌های صنفی ملی و بین‌المللی که فعالیت آن‌ها شامل؛ اجبار شرکت‌ها^۱ از طرق

مختلف برای اقدامات پایدار و استفاده از نیروهای هنجاری^۱ و استانداردهای سازگی و الزام شرکت‌ها به پیروی از آن‌ها و در آخر استفاده از نیروهای متقارن^۲ به معنی همکاری با شرکت‌ها در تهیه قواعد است است (Gunningham & Rees, 1997: 367-387) (0). انجمن‌ها با هدف ایجاد خودتنظیمی در شرکت‌ها این اقدامات را انجام می‌دهند و در واقع وظیفه راهبری اقدامات لازم برای توجه به محیط زیست را بر عهده گرفته‌اند. خودتنظیمی زیست‌محیطی در صنعت ناشی از یک سری مفاهیم و حقوق است که باعث شده است دولت، جوامع، شرکت‌ها، و انجمن‌ها آن را به مثابه ابزاری در قاعده‌مهندسازی و حفاظت از محیط زیست بپذیرند که عبارت است از:

الف) حق بر محیط زیست سالم، که بر اساس اصل دوم اعلامیه استکهلم ۱۹۷۳ انسان رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و آینده را بر عهده دارد (کریمی و موسوی مدنی ۱۳۹۶: ۵۷۶). بر اساس این اصل حق بر محیط زیست سالم، علاوه بر آنکه بر عهده دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، در مقام نماینده مردم، است، انسان را به طور مستقل مسئول بهبود در وضعیت محیط زیست می‌داند. این اصل را به صورت غیرمستقیم می‌توان به اشخاص حقوق خصوصی مرتبط ساخت که در برابر فعالیت‌های مخرب خود مسئول‌اند و باید تمهیداتی به منظور پیشگیری از آلودگی فعالیت‌های خود بیندیشند.

ب) مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها^۳ به این مهم اشاره دارد که شرکت‌ها واحدهای اجتماعی و در نقش نهاد اقتصادی هستند که باید به نیازهای اجتماعی پاسخ دهند تا رشد و توسعه یابند. شرکت‌ها در تعامل اجتماعی تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌گیرد و اگر تأثیر مثبتی بر جامعه گذاشت می‌تواند انتظار تأثیر مثبت داشته باشد. اعمال این مسئولیت فقط با مبنا قرار دادن الگوی راهبری شرکتی و ابزار خودتنظیمی ممکن است. زیرا مستلزم اقدامات فراتر از قانون و پیوند منافع با جامعه و محیط زیست است (Miljenović et al. 2015: 11).

-
1. normative forces
 2. mimetic force
 3. corporate social responsibility

تأثیر بازیگران خارجی بر خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌ها

اگرچه خودتنظیمی یک رویکرد رو به بالا و در پی تحقق بخشیدن به اهداف خود است و انتظار می‌رود انگیزه چنین فعالیتی در خود شرکت باشد (مثلاً هدف مالی، نوع دوستی، انطباق فعالیت‌ها با فرهنگ سازمان، فشار کارمندان، و ...)، عواملی هستند که خارج از حوزه داخلی شرکت می‌توانند بر این عمل تأثیر بگذارند که به اختصار توضیح داده می‌شود.

دولت اولین بازیگری است که در خودتنظیمی شرکت‌ها نقش دارد؛ بدین ترتیب که با مقررات توسعه‌ای یا برنامه‌های داوطلبانه عمومی^۱ خود سعی می‌کند شرکت‌ها را به قاعده‌گذاری زیست‌محیطی تشویق کند^۲ (blanc & Boncori 2019: 8-9). در این نوع از برنامه‌ها شرکت‌ها با اهداف ارائه‌شده از سوی دولت موافق‌اند و در عوض از مزایای اقتصادی در قالب یارانه تحقیق و توسعه، کمک فنی در طراحی مقررات، شهرت (استفاده از یک نشان محیطی)، و آموزش بهره‌مند می‌شوند^۳ (Ruhnka & Boerstler 1998: 317). همچنین دولت‌ها در جهت انطباق با اهداف تعیین‌شده، با اقداماتی مانند ارائه اسناد راهنما^۴ به شرکت‌ها کمک کنند (Self-regulation I 2015: 14). به طور کلی دولت‌ها چند وظیفه اصلی در خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌های نفتی بر

1. public voluntary programs

۲. دولت گاه از طریق قوانین اجباری می‌تواند قاعده‌گذاری را به شرکت‌ها تحمیل کند که این اجبار ممکن است به صورت مستقیم از طریق قانون باشد یا به صورت غیرمستقیم از طریق تهدید به قوانین سخت یا بازگشت مالیات به شرکت‌هایی که عملکرد زیست‌محیطی مناسبی نداشته‌اند. این نوع قاعده‌گذاری با عنوان «توافقات مذاکره» و در برخی کشورها «میثاق» مطرح شده است؛ بدین معنی که شرکت‌ها بدون آنکه تمایلی برای اقدام در جهت قاعده‌گذاری داشته باشند از طرف دولت و به شیوه‌های گوناگون اجبار می‌شوند، که عنوان «خودتنظیمی اجباری» نیز دارد. اما در این پژوهش تنها اقدامات داوطلبانه شرکت‌ها مد نظر است و آن مورد از موضوع بحث خارج است (Börkey et al. 1998: 9-10).

۳. UI environmental natural gas نمونه‌ای از برنامه داوطلبانه عمومی است که بین سازمان حفاظت محیط زیست ایالات متحده آمریکا و صنایع نفت و گاز تشکیل شده است. هدف از این برنامه کاهش انتشار متان در طول عملیات صنعت نفت است. در صورت کاهش انتشار متان بر اساس این برنامه، برچسب‌های زیست‌محیطی به خدمات و محصولات شرکت‌های نفتی و تأمین‌کنندگان‌شان تعلق می‌گیرد (eclabelindex.com).

4. guide documents

عهده می‌گیرند: همکاری^۱ در تهیه مقررات با صنایع و شرکت‌ها، تفویض وظایف قانونی^۲ به نهادهای خودتنظیم، حمایت و تسهیل^۳ اقدامات، حمایت ضمنی^۴ از طرح‌های خودتنظیم، خودتنظیمی ممکن است به صورت کاملاً مستقل از دولت تحت عنوان تعهدات یک‌جانبه^۵ یا مراقبت مسئولانه^۶ انجام شود؛ شامل تعیین قواعد زیست‌محیطی هم‌سو با هدف توسط خود بنگاه‌ها یا انجمن صنایع. لکن، با توجه به این‌گونه اقدامات متوجه خواهیم شد که این برنامه‌ها نیز به دلیل ترس از مقررات سخت‌گیرانه دولتی بوده است و سایه دولت در همه اقدامات وجود دارد (Börkey et al. 1998: 9-10).

دولت‌ها اهداف زیست‌محیطی و برنامه‌های داوطلبانه خود را یا به منظور اقداماتی در جهت تغییرات آب‌وهوا ارائه می‌دهد، مانند کاهش انتشار گاز متان در برنامه Natural Gas STAR، که سازمان محیط زیست امریکا به شرکت‌های نفتی ارائه کرده است، یا برنامه‌هایی برای پیشگیری از آلودگی زیست‌محیطی تهیه می‌کنند، مانند برنامه ۳۳/۵۰ سازمان حفاظت از محیط زیست امریکا، که پیشگیری از آلودگی را ابتدا تا ۳۳ درصد (هدف موقت) و سپس تا ۵۰ درصد (هدف اصلی) و با استفاده از روش‌ها خلاقانه زیست‌محیطی به منزله اهداف برنامه در نظر گرفته است (Börkey et al. 1998: 51).

نهاد دیگری که بر خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌های نفتی تأثیر می‌گذارد سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی هستند. سازمان‌های غیردولتی در طول سال‌ها نقش خود را بر بهبود محیط زیست ثابت کرده‌اند (Ehsan 2013: 4). نقش این سازمان‌ها در خودتنظیمی زیست‌محیطی عبارت است از: تشکیل میزگرد به منظور مذاکره شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی، مشارکت و مشاوره به شرکت‌های خصوصی در مورد طراحی و اجرای سیستم‌های مدیریتی، انجام دادن پروژه‌های پژوهش‌محور در زمینه حفاظت از محیط زیست، گسترش نظارت عمومی پروژه‌ها

-
1. co_regulation
 2. delegated
 3. facilitated
 4. tacit
 5. Unilateral commitments
 6. Responsible care

و مسائل زیست‌محیطی (Arts 2002: 31). وارد کردن فشار بر صنایع از طریق ایجاد عدم اطمینان در مردم و از بین بردن حسن شهرت این‌گونه صنایع و گزارش به دولت و سازمان‌های بین‌المللی حفاظت از محیط زیست به منظور بهبود عملکرد زیست‌محیطی، آگاهی دادن به جوامع مصرف‌کننده در زمینه ریسک‌های زیست‌محیطی این شرکت‌ها و کم کردن سطح تقاضای محصولات (Graham & woods 2006: 872)، طراحی و اجرای سیستم‌های گواهی‌نامه از سوی ارگان‌های غیردولتی برای کمک به شرکت‌ها به منظور قادر ساختن آن‌ها در پایش و گزارش‌دهی معتبر و قابل اعتماد آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های شرکت (قدیمی ۱۳۹۶: ۱۱۸). شرکت‌ها عموماً با فشار سرمایه‌گذاران نیز برای تنظیم مقررات اجتماعی و محیطی مواجه می‌شوند. اورلیتزکی^۱ و بنجامین در سال ۲۰۰۲ این قضیه را مطرح کردند که مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی به طور مستقیم با ریسک مالی مرتبط است (Soppe 2009: 7). چند روز پس از حادثه شیمیایی بوپال در هند، در سال ۱۹۸۴، مشخص شد که حدود سی درصد از ارزش سهام شرکت نفتی در معاملات سهام کاهش یافته است. بنابراین سرمایه‌گذاران در جهت تمایل خود به حداکثر کردن سود و بازده سرمایه‌گذاری اطمینان حاصل می‌کنند که شرکت‌ها به عوامل اجتماعی و زیست‌محیطی تا چه حد توجه دارند. سرمایه‌گذاران از طریق وادار کردن شرکت‌ها به ارائه گزارش و افشای اطلاعات درباره عملکرد اجتماعی و محیطی به نهادهای مسئول انگیزه‌ای برای شرکت‌ها در گرایش به خودتنظیمی ایجاد می‌کند (Graham & woods 2006: 871-872).

سهامداران شرکت‌های نفتی، که نقش مهمی در اجرای پروژه‌های نفتی ایفا می‌کنند، به دلیل نگرانی از افت قیمت سهام یا ریسک عدم سوددهی و اغلب با استفاده از حق رأی و قدرت اقتصادی و بعضاً قدرت سیاسی بر تهیه قواعد به منظور رعایت نکات زیست‌محیطی در پروژه‌ها تأثیر می‌گذارند و به صورت مستقیم شرکت‌ها را تشویق و در مواردی اجبار به خودتنظیمی می‌کنند (Alshehhi et al. 2018: 15).

صندوق‌های سازگار با محیط زیست نیز ایجاد شده‌اند، مثل صندوق سبز امریکا که سهامداران

مبالغ مورد نظر خود را به این صندوق‌ها می‌سپارند تا در شرکت‌های سازگار با محیط زیست و همچنین کم‌ریسک به صورت غیرمستقیم سرمایه‌گذاری کنند.^۱ مؤسسات مالی نیز گاه از طریق قرار دادن شرط سازگاری فعالیت‌ها با محیط زیست و گاه با تهیه قواعد زیست‌محیطی و الزام به اعمال کردن آن‌ها به منظور پرداخت وام‌ها خودتنظیمی را به الزامی اجتناب‌ناپذیر برای شرکت‌ها تبدیل می‌کنند. یکی از نمونه‌های خوب در این مورد مؤسسات مالی تحت نظر IFC^۲ است که شرکت‌های نفتی فقط با رعایت اصول استوآ^۳ قادر به دریافت وام از مؤسسات‌اند (Rigas 2017: 17).

تعریف، کاربرد، و انواع ابزارهای خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌ها

گفته شد که خودتنظیمی زیست‌محیطی در صنایع آلاینده از دو طریق قابل اعمال‌اند: انجمن‌های حرفه‌ای صنعت اغلب در نقش مشوق و گاه نیروی اجبارکننده شرکت‌ها بر قاعده‌مندسازی فعالیت‌هایشان اثر می‌گذارند و شرکت‌ها که نقش اصلی را در خودتنظیمی ایفا می‌کنند اقدام به قاعده‌گذاری مستقل یا تهیه قواعد در چارچوب تحمیل‌شده انجمن‌های حرفه‌ای صنایع می‌کنند.

شرکت‌های خودتنظیم زیست‌محیطی جهت قاعده‌گذاری از ابزارهایی استفاده می‌کنند که در چهار طبقه تقسیم می‌شوند:

۱. ابزارهای رفتارگرا (کد داوطلبانه اخلاقی و رفتاری و زیست‌محیطی). کدهای اخلاقی در مفهوم وسیع ابزاری هستند جهت مدیریت اخلاق و تلفیق اصول اخلاقی (مشخص شده در اخلاق صنعتی^۴ یا قانون) با هنجارهای اخلاقی در فعالیت‌های روزمره شرکت. کدهای رفتاری برای ایجاد

1. Greenamerica.org

2. International finance corporation: <https://www.ifc.org/>

3. equator principles

۴. زمانی که کدهای اخلاقی را انجمن‌های صنایع تهیه کنند و در اختیار شرکت‌ها قرار دهند تا اصول و قواعد اخلاقی خود را بر پایه آن تنظیم کنند اخلاق صنعتی شکل می‌گیرد. یکی از اولین گام‌های خودتنظیمی توسط صنعت این است که یک چارچوب هنجاری از مجموعه‌ای از اصول و روش‌های اخلاقی صنعتی تعریف و بنا کنند و بر اساس آن عمل کنند. هنجارها با توجه به طیف گسترده صنایع درگیر در آن محتوای خاص و متفاوت دارند. اخلاق صنعتی در نهایت یک چارچوب هنجاری ارائه می‌دهد که به دلیل ارائه الگو برای رفتار درست در صنعت، قابلیت اندازه‌گیری بهبود در رفتار را ایجاد می‌کند. در واقع کدهایی که در اخلاق صنعتی بیان می‌شود رویه خاصی را دیکته نمی‌کند، بلکه

دستورالعمل‌های رفتار تجاری- اخلاقی ایجاد می‌شوند. این کدها با توصیف رفتار مورد انتظار از کارکنان صنعت و چگونگی ارتباط با اصول تجاری و اصول اخلاقی شرکت راهنمایی است برای موضوعاتی که در حین فعالیت‌های روزمره با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. نقض این کدهای رفتار بر اساس شرکت‌های مختلف متفاوت است و ممکن است منجر به اقدامات انضباطی یا باعث اخراج در صورت نقض شدید شود. هدف اصلی کدهای رفتار ارائه قانونی‌ترین و اخلاقی‌ترین رفتار در صنعت است. مزیت اصلی این کدهای رفتاری تقویت ارزش‌های اصلی شرکت و تعیین فرهنگ صحیح است (Keller 2018: 19).

در واقع ابزارهای رفتارگرا با اعمال مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به معنای نوین، که بر سیستم حاکمیت خصوصی توسط بازیگران غیردولتی و تهیه قواعد صریح مانند کدهای رفتاری دلالت می‌کند، مترادف است (Szegedi 2011: 4). یکی از انواع کدهای اخلاقی و رفتاری کدهای زیست‌محیطی است که در آیین‌نامه‌های اخلاق و رفتار جای می‌گیرند. کد زیست‌محیطی به تعهدات انجام‌شده توسط هر بخش آلوده‌کننده گفته می‌شود که نه تنها از طریق شرکت‌ها بلکه از طریق سازمان‌های غیردولتی، دولت‌ها، سازمان‌های نماینده شرکت‌ها، یا بازیگران ذی‌نفع مانند شرکت‌های بیمه یا نهادهای مالی نیز تهیه می‌شوند. اما آنچه مد نظر ماست کدهایی است که به صورت یک‌جانبه توسط شرکت‌ها تهیه می‌شوند.

۲. ابزارهای فنی‌گرا (استانداردسازی). استاندارد سندی است شامل اصول و معیارها و شاخص که می‌تواند به طور مداوم مورد استفاده قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که مواد، محصولات، فرایندها، و خدمات متناسب با اهداف‌اند (Evan A. Peterson JD 2012: 9). استانداردسازی زیست‌محیطی و مشارکت بخش خصوصی در تهیه این ابزار می‌تواند مزایایی را برای این صنایع ایجاد کند که از آن‌ها می‌توان به بهبود کیفیت کالا و خدمات و فرایندها و کاهش مقررات دولتی و فرصت برای شبکه‌سازی و یادگیری اشاره کرد (UNIDO 2006: 9). شرکت‌های خودتنظیم اغلب

استانداردهایی را که شخص ثالث (دولت‌ها، انجمن‌های حرفه‌ای، نهادهای بین‌المللی عمومی) تهیه می‌کند عیناً یا با تغییرات مطابق با شرایط خود به کار می‌گیرند.

۳. ابزارهای اطلاع‌رسانی (گواهینامه و برچسب). گواهینامه یک تعهد یک‌جانبه برای بهبود عملکرد زیست‌محیطی است و شرکت‌ها (که خود دارای فرایندهای پیچیده بوده و آثار زیست‌محیطی خاص ایجاد می‌کنند) به طور مستقل یا از طریق تشویق دولت گواهی‌نامه زیست‌محیطی را تهیه می‌کنند. گواهینامه در واقع تأیید فعالیت‌های شرکت‌ها و کیفیت محصولاتشان از نظر آثار زیست‌محیطی است (Meidinger 2001: 10163-10166). گواهینامه‌هایی که در پی اقدامات زیست‌محیطی توسط شرکت‌ها تهیه می‌شوند تحت عنوان طرح‌های خودگواهی^۱ مطرح می‌شوند که شرکت‌ها در انطباق با کدهای رفتاری تهیه‌شده یا استانداردهای رفتار، این گواهینامه را برای خود صادر می‌کنند.

برچسب‌ها در قالب علامت تجاری بخشی از سنت غنی و از شیوه‌هایی است که صنایع برای اطمینان خریدار از صحت محصول تولیدشده توسعه داده‌اند. برچسب‌های زیست‌محیطی، که طرح‌های نسبتاً نوینی هستند، با توجه به ماهیتشان به کیفیت محصول یا فرایند تولید اشاره دارند. این روش یکی از راه‌هایی است که شرکت می‌تواند موقعیت خود را در بازار وسعت بخشد و از اعتبار بیشتری برخوردار شود (de Boer 2003: 255).

۴. ابزارهای قراردادی (قرارداد استاندارد^۲، مجوز اجتماعی^۳). قرارداد استاندارد متنی از پیش تهیه‌شده است که میزان حقوق و تعهدات هر یک از طرفین، تعیین موارد نقض قرارداد و ضمانت اجرای آن، و جزئیات مبسوط آن را پیش‌بینی کرده است (شیروی ۱۳۷۸: ۶۴) و عموماً انجمن‌های صنفی و در بعضی مواقع شرکت‌ها نیز آن را تهیه می‌کنند که به منظور افزایش سرعت انعقاد قرارداد و کاهش هزینه‌ها مورد استقبال زیادی قرار گرفته‌اند. این استانداردها به مثابه ابزاری برای خودتنظیمی کاربرد زیادی دارند. زمانی که شرکت‌ها نمی‌خواهند قوانین داخلی کشور را در

1. self_certification
2. standard contract
3. social license

زمینه محیط زیست به دلیل ناقص بودن یا پوشش ندادن موضوع‌های خاص اجرا کنند گرایش به تنظیم این نوع قراردادها، که به راحتی می‌توانند قواعدی را به منظور حفاظت از محیط زیست حتی فراتر از الزامات قانونی دولتی فراهم کنند، افزایش می‌یابد. مجوز اجتماعی یک قرارداد اجتماعی و مداوم با جامعه است که اجازه شروع و ادامه فعالیت را به شرکت‌ها می‌دهد؛ به این صورت که این شرکت‌ها ریسک‌های اجتماعی فعالیت‌های خود را از طریق انطباق با مجموعه‌ای از قوانین ضمنی اعمال شده از سوی سهامداران مدیریت می‌کنند. مجوز اجتماعی متشکل از خواسته‌ها و انتظارات جوامع از صنعت و پذیرش و تأیید سهامداران است. مجوزهای اجتماعی با مجوز قانونی در تضاد است و غیرقابل لمس و نانوشته است و توسط مقامات رسمی سیاسی یا حقوقی قابل اعطا نیست. در واقع مجوزهای اجتماعی یک فرایند ادامه‌دار تلقی می‌شوند که قبل از شروع هر فعالیتی باید اخذ شوند (Jasper 2006: 6; brandle et al. 2016: 5).

ابزارهای خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌های فعال در صنعت نفت و گاز

شرکت‌های فعال در صنعت نفت و گاز از ابزارهای گوناگونی به منظور خودتنظیمی استفاده می‌کنند که در این بخش این ابزارها به تفصیل بیان می‌شود.

ابزارهای رفتاری شرکت‌های نفت و گاز (کد اخلاقی و رفتاری)

اولین کدهای اخلاقی شرکت‌های نفت و گاز در دهه ۱۹۲۰ میلادی ظهور کرد و اولین شرکت نفتی که کدهای اخلاقی را تهیه کرد شرکت eni بود که تا امروز این کدها بیشتر و گسترده‌تر شدند. از فعالیت‌هایی که شرکت‌ها برای نهادینه‌سازی این کدها انجام داده‌اند آموزش اخلاقی^۱ است که بر اساس تحقیقات انجام شده آموزش نقش اساسی در ایجاد فرهنگ اخلاقی سازمان‌ها ایفا می‌کند. مثلاً برنامه‌های آموزشی شرکت توتال شامل مباحث مسئولیت‌های اخلاقی و زیست‌محیطی و اجتماعی برای مدیران است. می‌توان گفت امروزه اکثر شرکت‌های نفتی دارای کدهای اخلاقی خاص خود هستند که این کدها را یا بر اساس اخلاق صنعتی (اصول اخلاقی تهیه شده توسط انجمن‌های مشترک که بر گروهی با فعالیت یکسان حاکم است) یا بر اساس قانون تهیه کرده‌اند که

بر اساس مطالعات انجام شده ۵۲ درصد از شرکت‌های نفتی از تلفیق آن‌ها استفاده می‌کنند (Szegedi 2011: 6-8).

کدهای رفتاری ماهیتاً دقیق‌تر از استانداردهای اخلاقی و حاوی فهرستی از رفتارها هستند که در شرایط خاص باید رعایت شوند یا از آن‌ها اجتناب شود. کدهای اخلاقی و رفتاری صنایع نفتی با نام اصول کلی کسب‌وکار و آیین‌نامه‌های رفتاری تهیه می‌شوند و به صورت قانون داخلی شرکت‌ها مورد استفاده مدیران و کارکنان و شرکت‌های وابسته قرار می‌گیرند. از آن‌ها می‌توان اشاره کرد به اصول کسب‌وکار شرکت شل^۱ و آیین‌نامه رفتار شرکت خدمات آرامکو^۲ که شامل هنجارهای اخلاقی و زیست‌محیطی شرکت‌های زیرمجموعه و پیمانکاران و تولیدکنندگان و سایر اشخاص وابسته به این شرکت‌هاست. شرکت‌ها در تهیه کدهای خود می‌توانند از کدهای مدل برخی از انجمن‌های صنعتی بهره‌مند شوند که در آن رفتارهای مناسب زیست‌محیطی تعریف شده است و می‌تواند مبنای تدوین کدها توسط شرکت‌ها باشد. یکی از این کدها اصول راهنمای مؤسسه انرژی^۳ (EI) است که کدهای راهنمایی را در جهت تدوین کد اخلاقی و رفتاری شرکت‌ها ارائه داده است.

علاوه بر نهادهایی که کدهای مدل ارائه می‌دهند نهادهای بین‌دولتی با ارائه رهنمود و چارچوب رفتاری به شرکت‌ها به تهیه کد در جهت بهبود عملکرد زیست‌محیطی می‌پردازند و نقش آن‌ها در تدوین کدها انکارناپذیر است؛ مانند سازمان توسعه و همکاری اقتصادی که رهنمودهایی را به شرکت‌های چندملیتی^۴ برای تدوین کدها ارائه داده است.

همیشه این‌گونه نیست که کدهایی را که شرکت‌ها اجرا می‌کنند خودشان تهیه کنند. برخی از انجمن‌های حرفه‌ای نفت و گاز کدهایی را به منزله شرط ورود شرکت‌ها به صنعت تهیه و شرکت‌ها را ملزم به رعایت آن‌ها می‌کنند. البته کدهای رفتاری ارائه شده توسط انجمن‌ها اصول کلی رفتاری را در بر می‌گیرد و کلیات رفتار را در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهد. انجمن PILOT^۵

1. Shell Company Business Principles
2. Saudi Aramco Supplier Code of Conduct
3. energy institute
4. guidelines for multinational enterprises - OECD
5. PILOT (formerly the Oil and Gas Taskforce) facilitates the partnership between the UK oil and gas industry and government. <https://www.gov.uk/government/groups/pilot>, accessed on 28/6/2016

در صنعت نفت و گاز انگلستان با همکاری دولت تاکنون سه نوع کد رفتاری به شرکت‌های نفتی در جهت پایداری ارائه داده است. همچنین کدهای انجمن بین‌المللی تولیدکننده نفت و گاز^۱ (IOGP)، که مجمع جهانی صنعت نفت است و اعضای آن بهترین شیوه‌ها را برای دستیابی به پیشرفت‌های زیست‌محیطی و امنیت و مسئولیت اجتماعی و ... به اشتراک می‌گذارند، نمونه‌ای از کدهای تنظیم‌شده توسط انجمن‌ها حرفه‌ای است.^۲ یک نمونه دیگر از چنین کدهایی برنامه مراقبت مسئولانه تولید محصولات شیمیایی^۳ CMA نام دارد که در این انجمن به اعضا هر کد مراقبت مسئولانه را که شامل ۱۵ عمل است ارائه می‌دهند و کارگاه‌های متنوعی را تشکیل می‌دهند برای ارتباط اعضا و در اختیار گذاشتن سازوکارهایی که موجب بهبود عملکرد زیست‌محیطی و پیشرفت مدیریت زیست‌محیطی می‌شود (King & Lenox 1998: 1-13).

کدهای رفتاری در صنعت نفت و گاز تا سال ۱۹۹۰ به طور یک‌جانبه از طرف شرکت‌ها و یا صنایع طراحی می‌شد. اما دهه ۱۹۹۰ مورد انتقاد قرار گرفتند از این جنبه که گاهی شرکت‌های نفتی کدهای اخلاقی و رفتاری را به منظور از بین بردن انتقادات و در جهت حفاظت از شهرت و منافع تدوین می‌کردند^۴ و انجمن‌ها نیز نظارتی بر انطباق رفتار شرکت‌ها با کدهای ارائه‌شده نداشتند. بنابراین کدهای داوطلبانه به فریبی تبدیل شدند که اقدامات شرکت‌ها را در برابر مردم مسئولانه جلوه دهند. شرکت‌های نفتی در پاسخ به فشارهای ذی‌نفعان، مانند نهادهای غیردولتی و جامعه و دولت، به طراحی و اجرای مؤثرتر هنجارهای نظارتی اجتماعی و زیست‌محیطی اقدام کردند. کدها با مشارکت چندین ذی‌نفع، اعم از شرکت و انجمن‌های صنفی و سازمان‌های غیردولتی و دستگاه‌های دولتی، ایجاد می‌شوند (Keller 2018: 14). نمونه‌ای از این کدها ابتکار صنایع استخراجی^۵ است که با همکاری ذی‌نفعان، با تهیه کدهای زیست‌محیطی، شرکت‌های نفتی

-
1. international association of oil & gas producers
 2. api.org
 3. chemical manufacturing association
 4. greenwashing
 5. EITI

و معدنی را به ارائه گزارش‌های باز از عملکرد خود تشویق می‌کنند. استفاده از کدهای مدل در تهیه کدهای چندزی‌نفع می‌تواند مذاکرات را تسهیل کند و سرعت تهیه کدها را افزایش دهد.

ابزارهای فنی شرکت‌های نفت و گاز (استانداردگذاری)^۱

شرکت‌های خودتنظیم نفتی به دلیل وجود حجم بالایی از استانداردها در حوزه محیط زیست نفت و گاز معمولاً به استانداردسازی نمی‌پردازند و از استانداردهای موجود ملی و بین‌المللی بهره‌مند می‌گردند و در بعضی موارد کدهای رفتاری یک‌جانبه شرکت‌ها را به منزله استاندارد پذیرفته‌اند که بر اساس آن شرکت‌ها گواهینامه نیز ارائه می‌دهند (de Cordoba et al. 2018: 4). استانداردهای زیست‌محیطی در صنعت نفت، بسته به اینکه به چه منظور تهیه شود، دارای اقسام متفاوت است: الف) استانداردهایی که تأکید بر اصول تهیه استاندارد دارند و معمولاً مکانیسم‌ها آموزشی هستند که به درک مسئولیت‌های زیست‌محیطی کمک می‌کنند، مانند استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰ (Alavi et al. 2016: 1123-1124) که معمولاً توسط چند ذی‌نفع تهیه می‌شوند؛ ب) استانداردهایی که بر روند کاری تأکید دارند و به شرکت‌ها کمک می‌کنند کارهای لازم را برای اطمینان از روش‌های کاری مسئولانه شناسایی کنند، مانند استاندارد AA1000 که روش‌های کاری مطابق با پایداری را به شرکت‌های نفتی ارائه می‌دهد؛ ج) استانداردهایی که هدف آن‌ها ارائه گواهینامه است و توسط شرکت‌ها برای بررسی آثار زیست‌محیطی فعالیت‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد (قدیمی ۱۳۹۶: ۲۹ - ۳۰).

ابزارهای قراردادی شرکت‌های نفت و گاز (قراردادهای استاندارد، مجوز اجتماعی)

قراردادهای استاندارد در صنعت نفت و گاز به شیوه‌های مختلف تهیه می‌شوند. گاه این استانداردها تحت عنوان استاندارد بازیگران حکم فرما^۲ مطرح می‌شوند با این شرح که شرکت‌ها قراردادهایی را که دولت تهیه کرده تأیید می‌کنند و از همان قرارداد استفاده می‌شود. نوع دوم قرارداد استاندارد سازمان‌های صنعتی^۳ است، بدین صورت که انجمن‌های نفتی و شرکت‌ها که خود دارای بخش حقوقی قوی هستند و از نیروی متخصص کافی برخوردارند معمولاً متناسب با فعالیتی که می‌خواهند انجام دهند مبادرت

1. standardization
2. dominant player
3. industry organizations

به تنظیم قرارداد می‌کنند. همکاری چند شرکت در تهیه قرارداد و حمایت و تضمین دولت از قراردادها نمونه‌های دیگر از طرق تهیه قراردادهای استاندارد هستند (Martin 2004: 1-8).

شرکت‌ها با استفاده و پذیرش این قراردادها که در بخش‌های مختلف صنعت نفت و گاز تهیه می‌شوند میزان مسئولیت‌پذیری خود را در زمینه سلامت و ایمنی و محیط زیست نشان می‌دهند و از این طریق سنجش عملکرد درباره پایداری را برای طرف دیگر آسان و کار مقایسه را راحت می‌کنند. امروزه استانداردهای قراردادی بسیاری در حوزه محیط زیست مطرح است. مثلاً قراردادهای استاندارد تحت ابتکار^۱ CRINE که ابتدا با همکاری دولت انگلیس و صنعت نفت و گاز به منظور کاهش هزینه‌ها ایجاد شد و امروزه مستقل از دولت توسط صنعت اداره می‌شود و طیف وسیعی از قراردادها را به منظور بهبود عملکرد زیست‌محیطی ارائه می‌دهد.^۲

مجوزهای اجتماعی در رویدادهای زیست‌محیطی در دهه ۱۹۹۰ ریشه دارد. زمانی که صنعت نفت از شهرت بسیار کم بین جوامع محلی برخوردار بود، در سال ۱۹۹۷ در نشستی بین کارکنان بانک جهانی پیشنهاد شد این صنعت با کسب مجوز عمل کند. بنابراین، مفهوم مجوزهای اجتماعی به وجود آمد تا جوامع محلی را در فرایندهای تصمیم‌گیری دخیل کند (Smith & Richards 2015: 12). مجوزهای اجتماعی در تعریف کلی توافقات بین یک بنگاه یا گاه گروهی از بنگاه‌ها و کسانی که از آلودگی‌ها آسیب می‌بینند (کارگران، ساکنان محلی، همسایه، و ...) یا نمایندگان آنها (جامعه مدنی/ انجمن‌های محیط زیست و اتحادیه‌های صنفی) است. مثلاً توافقات شرکت BP با کارخانه ولوو به منظور کاهش انتشار گوگرد و محافظت از خودروهای شرکت ولوو نمونه‌ای از این مجوزهاست^۳ (Börkey et al. 1998: 9-10).

پذیرش گسترده و موفقیت‌آمیز این مجوزها در صنایع آن را گزینه مناسبی برای استفاده از آن

1. cost reduction in new era

2. logic-oil.com

۳. از مجوزهای اجتماعی از طریق انجمن صنعت نفت و گاز راهنمای تعامل اجتماعی است که انجمن نفت امریکا API

در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد که متعهد به کمک به جوامع در تهیه مجوزها برای دستیابی به منافع مثبت است (Smith &

(Richards 2015: 12).

توسط شرکت‌های نفتی کرده است. برخورداری یک فعالیت از مجوز تضمین می‌کند که شرکت‌ها خطرهای اجتماعی خود را بررسی می‌کنند و آن‌ها را کاهش می‌دهند (Smith & Richards 2015: 12). با وجود تهیه مجوزهای اجتماعی، ممکن است صنعت اقداماتی را انجام دهد که موجب نارضایتی جوامع و نهادهای غیردولتی و حتی سایر سهامداران شود. معمولاً شرکت‌های خودتنظیم برای حل و فصل اختلاف تمایل به استفاده از ابزار غیررسمی، مانند واسطه‌گری^۱ و مشاوره الزام‌آور^۲ و ... دارند که این ابزارها نیز در نهایت به ایجاد کدهای اخلاقی جدید و قواعد متناسب با خواست طرفین می‌انجامد (Jasper 2006: 6).

تأثیر مجوزهای اجتماعی به طور کلی شامل ارتقای پایداری بلندمدت پروژه‌ها، تسهیل توسعه و رشد پروژه‌ها، بهبود تعامل ذی‌نفعان، ایجاد کانال‌های ارتباطی باز با جوامع محلی، کمک به توسعه اقتصادی محلی جوامع میزبان، کمک به تلاش‌های گسترده‌تر برای توسعه پایدار منطقه‌ای یا جهانی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، و در نهایت بهبود وضعیت محیط زیست است (IPIECA 2007: 14-15).

ابزارهای اطلاع‌رسانی شرکت‌های نفت و گاز (گواهینامه و برچسب‌ها)

شرکت‌های نفتی اطلاعات دقیقی از محصولات تأمین‌کنندگان و شیوه‌های تولید ندارند که در تصمیم‌گیری برای انتخاب آن‌ها و گزارش به سایر سهامداران ارائه بدهند. همین امر مانع ایجاد مزیت رقابتی در شرکت‌ها و کاهش مشروعیت آن‌ها می‌شود. این وضعیت به‌خصوص در صنعت نفت و گاز، که تأمین‌کنندگان در کشورهای مختلف یا در قاره‌ای دیگر هستند، دوچندان می‌شود. در این زمان ایجاد تقارن اطلاعات بین شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان می‌تواند مؤثر باشد. همان‌طور که بین فروشنده و خریدار از انتقال اطلاعات استفاده می‌شود در اینجا که بحث فاصله مطرح می‌شود شرکت‌ها می‌توانند از گواهینامه‌هایی که نشان‌دهنده مسئولیت زیست‌محیطی تأمین‌کنندگان و محصولات آن‌هاست استفاده کنند (Misiūnė 2014: 11).

از دیگر عواملی که در انتخاب تأمین‌کننده پایدار مؤثر است برچسب‌های زیست‌محیطی است که نشان از پایداری عملکرد دارد. انواع برچسب‌های زیست‌محیطی، که معمولاً شرکت‌های تأمین‌کننده صنعت نفت و گاز از آن‌ها بهره می‌برند و با استفاده از آن اعمال استانداردها و نتایج حاصل از آن را به صورت بصری نمایش می‌دهند شامل دو گروه است: الف) برچسب مدیریت زیست‌محیطی؛ ب) برچسب مدیریت محصولات و خدمات^۲. برچسب‌های مدیریت زیست‌محیطی برچسب‌هایی هستند که اطلاعات جامعی را از کل حیات محصول یا کل زنجیره تأمین ارائه می‌دهند. برچسب‌های مدیریت محصولات و خدمات گاهی مربوط به صنعت خاص، مانند برنامه انرژی استار (کیفیت محیط زیست در فعالیت‌های مربوط به انرژی) به طور خاص، گاهی مربوط به یک موضوع زیست‌محیطی خاص، مانند برنامه انتشار گاز طبیعی به منظور کاهش انتشار گاز متان، و گاهی مربوط به یک بعد از یک فعالیت است (قدیمی ۱۳۹۶: ۳۰؛ 2-3: Network G. E 2004).

مزایا و معایب خودتنظیمی زیست‌محیطی شرکت‌های نفت و گاز

معمول‌ترین اثری که می‌توان از خودتنظیمی زیست‌محیطی در صنعت نفت بیان کرد تأثیر آن بر بهبود وضعیت محیط زیست است. نمی‌توان ادعا کرد خودتنظیمی زیست‌محیطی همیشه در بهبود وضعیت محیط زیست صنعت نفت مؤثر بوده است. در بعضی از برنامه‌ها شرکت‌ها هیچ‌گونه پیشرفتی در جهت رسیدن به اهداف خود نداشته‌اند.^۳ به نظر می‌رسد بسته به جدیت شرکت‌ها و صنعت در اجرا و نظارت بر قواعد تهیه‌شده، نظارت مؤثر دولتی‌هایی که برنامه‌های زیست‌محیطی ارائه می‌دهند، و تهیه قواعد از طریق متخصصان این حوزه موفقیت شرکت‌ها در بهبود مسائل زیست‌محیطی در موفقیت خودتنظیمی تفاوت ایجاد می‌کند.

به دلیل آلودگی‌های گسترده‌ای که در عملیات نفتی ایجاد می‌شود طبیعی است که هزینه‌های مقررات‌گذاری زیست‌محیطی برای دولت، نسبت به تهیه برنامه‌های خودتنظیم‌سازی و انتقال

1. eco audits

2. eco labels

۳. برای نمونه برنامه چالش آب‌وهوا در بخش انرژی Energy's Climate Challenge program که شرکت‌های نفتی اجرا کردند هیچ‌گونه نتیجه موفقیت‌آمیزی نداشت.

قاعده‌گذاری به شرکت‌ها، افزون‌تر گردد. به همین دلیل خودتنظیمی راهی است که در هزینه‌های قاعده‌گذاری صرفه‌جویی شود و از طرفی با اعتباری که در برنامه‌های موفق زیست‌محیطی برای شرکت‌ها و صنایع ایجاد می‌شود سود و صرفه اقتصادی به همراه دارد (نتیجه برد- برد).

هر یک از ابزارهای خودتنظیمی زیست‌محیطی دارای مزیت‌های خاص خود برای صنعت است؛ مثلاً کدهای اخلاقی و رفتاری در خودتنظیمی زیست‌محیطی به شرکت‌های نفتی کمک کرده است اصول اخلاق و رفتار خود را در زمینه پایداری، که یکی از موضوعات مهم در همه جوامع به حساب می‌آید، درونی کنند و بنابراین اقدامات شرکت‌های نفتی به یکسری اقدامات اجتماعی نامرتبط با تأثیرات فعالیت‌هایشان، که فقط به منظور افزایش شهرت و سود اقتصادی انجام می‌گیرد، محدود نمی‌شود؛ بلکه قواعدی درونی شده و خودتنظیم است که بتواند از آثار مخرب زیست‌محیطی پیشگیری کند. کدهای تهیه‌شده توسط شرکت‌های نفتی در صورت موفقیت‌آمیز بودن در اختیار سایر شرکت‌ها قرار می‌گیرد و ممکن است به کدهای بین‌المللی تبدیل شود. کدهایی که انجمن‌های ملی و بین‌المللی صنعت نفت و گاز ارائه می‌کنند و شرط ورود به صنعت در نظر گرفته می‌شوند زمینه نظارت بر شرکت‌های خودتنظیم را فراهم می‌کند که در صورت عدم رعایت آن‌ها تحریم و جریمه و اخراج از انجمن را در پی دارد. بنابراین نظارت انجمن‌ها می‌تواند عاملی بازدارنده در مقابل عدم رعایت قواعد زیست‌محیطی توسط شرکت‌ها باشد.

به‌کارگیری استانداردهای زیست‌محیطی توسط پیمانکاران، تولیدکنندگان، و تأمین‌کنندگان صنعت نفت در ارائه نتایج پروژه با کیفیت بالاتر و افزایش تولیدات سبز و همچنین با ارائه گزارش‌های زیست‌محیطی به نهاد ارائه‌دهنده استاندارد مشروعیت و اعتبار شرکت‌ها بین جوامع، دولت‌ها، و ... تضمین می‌شود. برچسب‌ها و گواهینامه‌ها ریسک شناسایی محصولات و خدمات پایدار را کاهش می‌دهند و اعتماد شرکت‌ها را از طریق کمک به اطمینان از محصولات و خدمات و روش‌های تجاری افزایش می‌دهند (Self-regulation I 2015: 5).

نقش قراردادهای نمونه در صنعت نفت و گاز انکارناپذیر است. زیرا شرکت‌های نفتی با ارائه چنین قراردادی سرعت تهیه قراردادهای افزایش می‌دهند و از طرف دیگر، با ارائه آن، طرف قرارداد از استراتژی زیست‌محیطی شرکت مطلع می‌شود و تصمیم‌گیری می‌کند. مجوزهای

اجتماعی نیز ابزار مناسبی در اختیار شرکت‌های نفتی است. زیرا شرکت‌های نفتی همیشه با شکایات و نارضایتی مردمان بومی و جوامع و سایر بازیگران مواجه بوده‌اند. بنابراین می‌تواند راهی باشد که از بروز اختلافات زیست‌محیطی و ارائه شکایات نزد مراجع قضایی رسمی جلوگیری کند و اختلافات از طرق غیررسمی حل و فصل شوند. از آثار منفی خودتنظیمی زیست‌محیطی که در همه صنایع یکسان است می‌توان به ریسک تسخیر مقررات‌گذاری توسط مدیران صنایع اشاره کرد که با استفاده از دو عامل رانت و قدرت توانایی زیادی به مدیران صنایع برای تنظیم مقررات به نفع خوشان می‌دهد. گاهی صنایع با هیچ‌گونه استانداردی خود را محدود نمی‌کنند و حاضر نیستند هزینه پیروی از استانداردها را پردازند. اما به دنبال این هستند که از مزایای خودتنظیمی، مانند سودآوری و اعتبار و شهرت، بهره ببرند. به همین دلیل، صرف‌نظر از اینکه برای تعیین و اجرای قواعد کاری انجام داده باشند، خود را تابع استانداردها معرفی و اصطلاحاً از سوار رایگان استفاده می‌کنند (Self-regulation I 2015: 21). اگرچه این ابزار مانند سایر ابزارهای قاعده‌گذاری معایی دارد، عموماً این معایب با طراحی سازوکارهایی از جمله نظارت دولت یا انجمن‌های صنعتی بر عملکرد شرکت‌ها می‌تواند معایب را تا حد زیادی کاهش دهد.

نتیجه

بروز فجایع زیست‌محیطی ناشی از اقدامات شرکت‌های فعال در صنعت نفت و گاز نشان می‌دهد قواعد دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست کارآمدی لازم را ندارد و نمی‌تواند از اعمال آسیب‌زا جلوگیری کند. بنابراین امروزه نقش دولت‌ها در قاعده‌گذاری کاهش یافته است و نوعی از قاعده‌گذاری متکثر در محیط زیست صنعت نفت، با عنوان خودتنظیمی، در سطح ملی و بین‌المللی پذیرفته شده است. خودتنظیمی زیست‌محیطی در صنعت نفت عبارت است از قاعده‌مهندسازی زیست‌محیطی عملیات نفتی با روش‌های مقرر و اصول خودساخته توسط شرکت‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای نفت و گاز. شرکت‌های فعال نفتی بار اصلی تهیه و اجرای قواعد را بر عهده گرفته‌اند و انجمن‌ها حامی و راهنما و ناظر بر شرکت‌های نفتی هستند. ابزارهایی که شرکت‌ها به منظور قاعده‌مهندسازی زیست‌محیطی به کار می‌گیرند عبارت‌اند از: ابزارهای رفتاری، مانند کد رفتار که به درونی‌سازی رفتار سازگار با محیط زیست می‌پردازند، ابزارهای فنی، مانند استانداردگذاری که

حاوی مشخصات فنی و معیارهای عملکرد دقیق متناسب با محیط زیست است، ابزارهای اطلاع رسانی، مانند گواهینامه و برچسب که نشان دهنده پایداری در محصولات و تجهیزات و خدمات شرکت های تأمین کننده تجهیزات نفتی است و به عملیات شرکت های نفتی مشروعیت می بخشد. ابزارهای قراردادی، مانند تهیه قرارداد استاندارد و مجوزهای اجتماعی، نیز گام مؤثری در جهت تهیه استراتژی های زیست محیطی است و در نهایت استفاده از شیوه های جایگزین حل اختلافات در زمان بروز شکایات یکی از انواع ابزارهای خودتنظیمی شرکت هاست.

همچنین نقش دولت، سرمایه گذاران، نهادهای بین المللی عمومی، و سایر ذی نفعان صنعت را که با اقدامات خود، مانند تهیه برنامه های زیست محیطی و اسناد راهنما و ... سعی در تشویق شرکت ها به خودسامانی زیست محیطی دارند نمی توان نادیده گرفت. از مزایای این ابزار در صنعت نفت می توان به کسب اعتبار و شهرت و سود اقتصادی، انعطاف پذیری در تهیه اهداف زیست محیطی، به کارگیری تخصص در تهیه قواعد، و جلوگیری از اعمال قوانین سخت دولتی اشاره کرد و در نهایت در صورت وجود ناظر بر اجرای قواعد و جدیت و مسئولیت پذیری شرکت ها بهبود وضعیت محیط زیست را در پی دارد. خودتنظیمی زیست محیطی توسط انجمن های صنعت بحث مفصلی است که در پژوهشی دیگر می توان به آن پرداخت.

منابع

- شپروی، عبدالحسین (۱۳۹۵). حقوق نفت و گاز، تهران، میزان.
- _____ (۱۳۷۸). «نقش قراردادهای استانداردها (نمونه) در تجارت بین‌المللی و مقایسه آن با قراردادهای الحاقی در حقوق داخلی»، آموزش عالی قم، (۲)، صص ۶۱ - ۷۶.
- قدیمی، نگار (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر پایداری از دیدگاه محیط زیستی، تهران، شوراآفرین.
- کریمی، داریوش؛ نگین موسوی مدنی (۱۳۹۶). «بررسی کارآمدی قوانین و مقررات حقوقی ناظر بر آلودگی هوا در ایران»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۹(۴)، صص ۵۷۱ - ۵۸۱.
- مؤمنی‌راد، احمد؛ آزاده امیرخانی؛ زهره تیموری (۱۳۹۵). «حفظ حقوق زیست‌محیطی بشر در قراردادهای نفتی»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، (۱۱)، صص ۱۱۳ - ۱۳۰.

References

- Ahmad, W. I. W. & AbdGhadas, Z. A. (2011). "Code of ethics for the contractors as a mechanism for the self-regulation in Malaysia: An appraisal", In *RICS Construction and Property Conference*, (354), pp. 148-158.
- Alavi, H., Hąbek, P. Y., & Cierna, H. (2016). "Corporate Social Responsibility and Self-Regulation", *MM Science Journal*, pp. 1121-1126.
- Alshehhi, A., Haitham, N., & Nilesh, Kh. (2018). "The Impact of Sustainability Practices on Corporate Financial Performance: Literature Trends and Future Research Potential", *Sustainability 10*, pp. 21-25.
- Arts, B. (2002). "Green alliances' of business and NGOs. New styles of self-regulation or 'dead-end roads'", *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 9(1), pp. 26-36.
- Blanc, S. & Boncori, A. L. (2019). "Constituting a Reasonable Corporation", In *Academy of Management*, 1.
- Börkey, P., Glachant, M., & Lévêque, F. (1998). "Voluntary approaches for environmental policy in OECD countries: An assessment", *CERNA, Centre d'économie industrielle, Ecole Nationale Supérieure des Mines de Paris*, pp. 1-98.
- Brändle, C., Lis, A., Fleischer, T., Evensen, D., & Mastop, J. (2016). "Prerequisites for a Social Licence to Operate in the (Shale) gas Industries", *M4ShaleGas Consortium*, pp. 1-43.
- Castro, D. (2011). "Benefits and limitations of industry self-regulation for online behavioral advertising", *The Information Technology & Innovation Foundation*, pp. 1-14.
- De Boer, J. (2003). "Sustainability labelling schemes: the logic of their claims and their functions for stakeholders", *Business Strategy and the Environment*, 12(4), pp. 254-264.
- De Cordoba, S. F., Onguglo, B., Hoekman, B., Schleifer, P., Fiorini, M., Fransen, L., & Gjaltema, J. G. (2018). *Voluntary Sustainability Standards, Trade and Sustainable Development: 3rd Flagship Report of the United Nations Forum on Sustainability*

- Standards (UNFSS).*
- Ehsan, M. A. (2013). "Non-Governmental Organization Self-regulatory", *Counterpart International – Afghanistan, Initiative to Promote Afghan Civil Society*, pp. 1-68.
- Ghadimi, N. (2018). *An Introduction to Sustainability from an Environmental Perspective*, Tehran, Shoor-Afarin publishing. (in Persian)
- Graham, D. & Woods, N. (2006). "Making corporate self-regulation effective in developing countries", *World Development*, 34(5), pp. 868-883.
- Gunningham, N. & Rees, J. (1997). "Industry self-regulation: an institutional perspective", *Law & Policy*, 19(4), pp. 363-414.
- Gupta, Anil K. & Lawrence, J. Lad. (1983). "Industry self-regulation: An economic, organizational, and political analysis", *Academy of Management Review*, 8(3), pp. 416-425.
- IPIECA. (2007). "Partnership in the oil and gas industry", *Addressing the challenges and lessons learned from partnering with the Private Sector*.
- Jasper, V. (2008). Sustainability Challenges, challenge 16: Certification as sustainable self-regulation, It builds on chapter 7 chapter 12 of the book: *International Business-Society Management* (Van Tulder with Van der Zwart, 2006), pp. 1-15.
- Karimi, D. & Mousavi-Madani, N. (2017). "A Study of the Efficiency of Laws and Regulations on Air Pollution in Iran", *Quarterly Journal of Environmental Science and Technology*, 19, pp. 581-571. (in persian)
- Keller, H. (2008). "Codes of Conduct and their Implementation: the Question of Legitimacy", In *Legitimacy in international law*, pp. 219-298.
- King, A. A. & Lenox, M. J. (2000). "Industry self-regulation without sanctions: The chemical industry's responsible care program", *Academy of management journal*, 43(4), pp. 698-716.
- Martin, A. T. (2004). "Model Contracts: A Survey of the Global Petroleum Industry", *Journal of Energy & Natural Resources Law*, 22(3), pp. 281-340.
- Miljenović, D., Maradin, D., & Prohaska, Z. (2015). "Corporate social responsibility and financial sustainability", In *Economic Policy Today: Political Rhetoric or a True Reform*, Juraj Dobrila University of Pula, Faculty of Economics and Tourism.
- Misiūnė, I. (2014). "Environmental Self-Regulation: Changes of Certified Companies in Lithuania", *Social Sciences, Management (03 S)*, pp. 1-170.
- Mo'meni Rad, A., Amirkhani, A., & Teymouri, Z. (2016). "Protecting Human Environmental Rights in Oil Contracts", *Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, pp. 113-130. (in Persian)
- Network, G. E. (2004). "Introduction to ecolabelling", *Global Ecolabelling Network (GEN) Information Paper, GEN Secretariat, Ontario, Canada*, Online at [<http://www.globalecolabelling.net/documents.html>].
- Rigas, A. G. (2015). "The legal dimension of self-regulation in the oil and gas industry", *Final summative assessment*, pp. 1-73.
- Ruhnka, J. C. & Boerstler, H. (1998). "Governmental incentives for corporate self regulation", *Journal of Business Ethics*, 17(3), pp. 309-326.
- Self-Regulation, I. (2015). Role and Use in Supporting Consumer Interests.
- Shiravi, A.H. (1999). "The Role of Standard Contracts in International Trade and Its

- Comparison with Additional Contracts in Domestic Law”, *Qom Journal of Higher Education*, (2), pp. 61-76. (in Persian)
- (2015). *Oil and gas law*, Tehran, Mizan publishing. (in Persian)
- Smith, D. C. & Richards, J. M. (2015). “Social license to operate: hydraulic fracturing-related challenges facing the oil & gas industry”, *ONE J*, 1, 81.
- Soppe, A. (2009). “Sustainable finance as a connection between corporate social responsibility and social responsible investing”, *Indian School of Business WP Indian Management Research Journal*, 1(3), pp. 13-23.
- Szegedi, K. (2011). “Ethics codes and ethics management in the oil and gas industry”, *Focus*, 1, pp. 4-15.
- United Nations Industrial Development Organization (UNIDO). (2006). “Role of standards A guide for small and medium-sized enterprises”, *Working paper UNIDO*, pp. 1-46.

Website

- <https://www.api.org/membership#tab-chapters>
- <https://www.logic-oil.com/standard-contracts>
- <https://www.api.org/products-and-services/individual-certification-programs#tab-www.Greenamerica.org>
- <https://mneguidelines.oecd.org/mneguidelines> (last seen at 2020/6/29)
- International Organization for Standardization (2013) Standards. Accessed May 7th from [online]

